



الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود: ۶۱

او شما را از زمین پدیدآورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.

صنعت نفت

صِنَاعَةُ النَّفْطِ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟

چطور نفت را به دست می آوریم؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ

انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و این استخراج

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفَرَ يَكُونُ

در بعضی وقت ها وقت طولانی را می گیرد زیرا حفر در طبقه های صخره ها می باشد
فِي طَبَقَاتِ الصَّخُورِ.

هزینه تر از انتقالش به وسیله ی

فِي إِيرَانَ ثُرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ بِلَاذُنَا غَنِيَّةٌ

در ایران ثروت های بسیاری درون زمین است. کشور ما سرشار

بِالنَّفْطِ وَ الْغَازِ وَ هِيَ تَصْدَرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ.

از نفت و گاز است و آن بخشی از آنها را به کشورهای صنعتی صادر می کند

عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ

انسان نفت را از زمان قدیم شناخت و آن را از سطح زمین جمع می کرد

الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجُلْدِيَّةِ.

و از آن به عنوان سوخت و برای معالجه بیماری های پوستی استفاده می کرد

يَحْفَرُ الْعُمَالُ بُئْرًا وَ يَضَعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا، فَيَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَسِطَةِ

کارگران چاهی را می کنند و لوله ای در آن قرار می دهند. پس نفت به واسطه

الْأَنْبُوبِ، وَ يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِحَنْفِيَّاتٍ.

لوله بالا می رود و لوله با شیر هایی باز و بسته می شود

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ

انتقال نفت از طریق لوله ها کم خطر تر و کم هزینه تر از انتقالش به وسیله ی

بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَسِطَةِ

نفتکش هاست؛ و برای آسان کردن انتقال نفت به وسیله ی

الْأَنْبُوبِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ، تُسْتَعْمَدُ آلَاتُ

لوله ها از طریق اسرازیری ها ابزار هایی

لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبُوبُ سَالِمَةً.

برای کاهش فشار به کار برده می شوند تا لوله ها سالم بماند

لِإِيرَانَ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ

ایران تجربه های زیادی در صنعت

نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ وَ هِيَ مِنْ

انتقال نفت از طریق لوله ها دارد و آن از

أكبر الدول المُصدِّرة للنفط وَ أَنْجَحِهَا فِي مَدَّ خُطوطِ الْأَنْابِيبِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ
بزرگترین کشور های صادر کننده نفت است و موفق ترینشان در کشیدن خطوط لوله ها و حفاظت از آنها از
اماکن الإنتاجِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاكِ.

مکانهای تولید تا مکانهای مصرف است

عَلَى اِمْتِدَادِ الْأَنْابِيبِ تَوْجَدُ أَعْمَدَةُ اتِّصَالَاتِ كَمَحَطَاتِ إِذْذَارِ، وَ لَوَحَاتِ تَحْذِيرِيَّةٍ
در امتداد لوله ها ستون های مخابرات مانند ایستگاه های هشدار و تابلو های هشدار آمیز

بِاللُّونِ الْأَصْفَرِ تُحَدِّدُ الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ؛ وَ يَجِبُ
به رنگ زرد وجود دارد که شهروندان را از حفر کردن زمین برای ساختن ساختمان یا کشاورزی باز می دارند؛ و
عَلَى كَلِّ مُوَاطِنِ صِيَانَةِ هَذِهِ الْأَنْابِيبِ وَ الْإِتِّصَالَاتِ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطَرِ.

و بر هر شهروندی نگهداری از این لوله ها و ارتباط با شرکت هنگام مشاهده ی خطر واجب است
نَحْصُلُ مِنَ النِّفْطِ عَلَى مُشْتَقَّاتِ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزُّيُوتِ؛ وَ لِلنِّفْطِ اسْتِعْمَالٌ
از نفت مشتقات زیادی مانند بنزین و روغن ها را به دست می آوریم؛ و نفت کاربرد دیگری

أَخَرٌ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَّاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ
در صنعت دارد پس پلاستیک و عطرها و دارو ها

وَ مُبِيدَاتِ الْحَشْرَاتِ، وَ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ
و حشره کش ها و مواد آرایشی و خمیر دندان

الْأَسْنَانَ وَ السَّمَادِ الْكِيمِيَاوِيِّ وَ غَيْرِهَا.

و کود شیمیایی و غیره ساخته می شود

كَيْفَ يُنْقَلُ النِّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟

چگونه نفت منتقل می شود و به کجا؟

يُنْقَلُ النِّفْطُ مِنَ الْآبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى

نفت از چاه ها یا پندرها به پالایشگاه ها
الْمَصَافِي عِبْرَ الْأَنْابِيبِ.

از طریق لوله ها منتقل می شود

ثُمَّ تَنْقَلُ النِّقَالَاتُ مُشْتَقَّاتِ النِّفْطِ مِنْ

سپس نفتکش ها فرآورده های نفتی را از

الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوُقُودِ فِي الْبِلَادِ.

پالایشگاه ها به ایستگاه های سوخت در کشور منتقل می کنند



آبار	چاه‌ها «مفرد: بئر»	بِنَاء	ساختن، ساختمان	مُصَدَّرَة	صادرکننده
اتصالات	مخابرات	تَحْذِيرِيَّة	هشدار آمیز	مَطَاط	پلاستیک، کائوچو
اتصال	تماس گرفتن	سَمَاد	کود	مُنْحَدَر	سرازیری
استعمَر	خواستار آباد کردن شد	صَدَّر	صادر کرد	مَوَادُّ التَّجْمِيلِ	مواد آرایشی
استغرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا	وقتی طولانی گرفت	صُخُور	صخره‌ها	مَوَانِي	بندرها «مفرد: میناء»
استهلاك	مصرف	صِيَانَة	نگهداری، تعمیر	نَاقِلَاتُ النَّفْطِ	نفتکش‌ها
أَقْلُ خَطَرًا	کم خطرتر، کم خطرترین	عَبَر	از راه	وَقُود	سوخت (مواد سوختی)
أنبوب	لوله «جمع: أنابيب»	غاز	گاز	يَجِبُ	واجب است، باید
أنجح	موفق‌تر، موفق‌ترین	مُبِيدَة الْحَشَرَاتِ	حشره کش	يَضَعُونَ	قرار می‌دهند «وَضَع: قرار داد/ يَضَعُ: قرار می‌دهد»
إنذار	هشدار	مَحَطَّة	ایستگاه	يُفْتَحُ	باز می‌شود
أنشأ	پدیدآورد، آفرید	مُدَّ حُطُوطِ الْأَنْبَابِ	کشیدن خطوط لوله	يُعْلَقُ	بسته می‌شود
بلدان	کشورها «مفرد: بَلَد»	مَصَافِي	پالایشگاه‌ها «مفرد: مَصْفَى»	يُنْقَلُ	منتقل می‌شود

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- 1- لِبِلَادِنَا تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ.
کشور ما تجربه های زیادی در صنعت انتقال نفت از طریق لوله ها دارد
- 2- يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنَ النَّفْطِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
انسان از نفت در ساختن مواد آرایشی استفاده می کند
- 3- عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبَابِ، لَا تَوْجِدُ أَعْمَدَةَ اتِّصَالَاتٍ.
در امتداد لوله ها ستون های مخابرات یافت نمی شود
- 4- يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبَيْرِ إِلَى مِينَاءِ التَّصْدِيرِ.
نفت از چاه به بندر جهت صادر کردن منتقل می شود
- 5- نَقَلَ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ، أَكْثَرُ خَطَرًا.
انتقال نفت از طریق لوله ها خطرناک تر است



اعلموا

الفعل المجهول

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل، از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد / می‌زند: زده می‌شود / دید: دیده شد / می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.



در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شُست ← عَسَلَ: شسته شد / خَلَقَ: آفرید ← خَلَقَ: آفریده شد)

(يَعْسَلُ: می‌شوید ← يَغْسَلُ: شسته می‌شود / يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يَخْلُقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل، حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يَكْتُبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يَضْرِبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرِفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: فرو فرستاد	أَنْزَلَ: فرو فرستاده شد	يُنْزِلُ: فرو می‌فرستد	يُنْزِلُ: فرو فرستاده می‌شود
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَحْدَمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرد	يَسْتَحْدِمُ: به کار گرفته می‌شود

تفاوت حرکت فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا بیابید.

بعد از فعل مجهول «نایب فاعل^۱» می‌آید. نایب فاعل مانند فاعل، مرفوع است؛ فقط فعل‌های متعدی، مجهول می‌شوند.

﴿... سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ الزُّخْرُف: ۱۹

نایب فاعل و مرفوع

... گواهی آنها نوشته خواهد شد و [از آن] پرسیده خواهند شد.

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَن: ۵۵

نایب فاعل و مرفوع به واو

تبهکاران از چهره‌شان شناخته می‌شوند.

﴿مَا عَمَّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ﴾ الْإِنشَاءُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نایب فاعل و مرفوع به ضمّه

با هیچ چیز مانند عدل، شهرها آباد نشده است.

﴿يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ﴾

نایب فاعل و مرفوع

در سالن امتحان برای دانش‌آموزان گشوده می‌شود.

۱- نایب فاعل همانند فاعل فقط به صورت یک اسم ظاهر در کتاب تدریس شده است.

خودت را آزمایش کن: ترجمه عبارات پیش رو را کامل کن، سپس نقش و اعراب کلمات رنگی را معین کن

اِحْتَبَرْ نَفْسَكَ: اَكْمِلْ^۱ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ اَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

نائب فاعل

۱- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۸۵

ماه رمضان که در آن قرآن نازل شد

نائب فاعل

۲- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ الْأَعْرَاف: ۲۰۴

و هرگاه قرآن خوانده شد (بشود). به آن گوش فرا دارید.

مضاف الیه

۳- مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

خداوند به چیزی برتر از به جای آوردن حق مؤمن ... عبادت نشد (نشده است) ...

نائب فاعل

۴- تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا.

چیزها به کمک متضادهایشان شناخته می شود

مضاف الیه

۵- اَغْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

راننده در اتوبوس مدرسه را بست

فاعل

۶- طَبَخَتْ وَالِدَةٌ سَعِيدٍ طَعَامًا لَذِيذًا.

مادر سعید، خوراک خوشمزه‌ای را پخت



۱- اَكْمِلْ: کامل کن ۲- اِسْتَمِعُوا: گوش فرا دهید

حوار گفتگو (مَعَ مَسْؤُولِ اِسْتِیْقَالِ الْفُنْدُقِ)

با مَسْؤُولِ پذیرش هتل مَسْؤُولِ اِسْتِیْقَالِ	گردشگر
ما هو رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟ شماره اتاق چیست؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
تَفَضَّلْ. بفرما.	لَطْفًا كَلِّدِ اِتَّاقِمِ را به من بده مِثَّتَانِ وَ عَشْرُونَ. دویست و بیست
أَعْتَدْتُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ. از تو پوزش می خواهم؛ سیصد و سی را می خواهم.	عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ لِزَّ شِشِّ صَبِيحٍ تا دو بعد الظهر ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي. سپس همکارم بعد از من می آید	بِخَشِيدِ، اِن كَلِّدِ اِتَّاقِمِ نِیست لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. اشكال ندارد ای دوست من مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ؟ ساعت کارت چیست؟
الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى ٤ الثَّلَاثَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ صِبْغَانِهِ اَزْ هَفْتٍ وَ نِصْفٍ تا هشت و چهل و پنج دقیقه الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبْعِ؛ نَهارِ اَزْ دَوَاذِهِ تا دو و پنج الْعَشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى الثَّلَاثَةِ إِلَّا رُبْعًا. شام از هفت تا هشت و چهل و پنج دقیقه	مَتَى مَوَاعِدُ ٢ الْفُطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعَشَاءِ؟ و عده های صبحانه و ناهار و شام کی هست؟
شايٌّ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ ٥ وَ زُبْدَةٌ ٦ وَ حَلِيبٌ وَ مَرْبَى الْمِشْمِشِ ٧. چای و نان و پنیر و کره و شیر و مربای زرد آلو	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟ غذای صبحانه چیست؟
رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ ٨. برنج با مرغ	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ؟ و غذای ناهار چیست؟
رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ ٩ بَادَنْجَانِ. برنج با خورشید بادمجان	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَشَاءِ؟ و غذای شام چیست
لَا شُكْرَ عَلَى الْوَجِيبِ. وظیفه است	أَشْكُرُكَ. از تو سپاسگزارم



- ١- مَسْؤُولِ اِسْتِیْقَالِ: مسئول پذیرش
- ٢- دَوَام: ساعت کار
- ٣- مَوَاعِدِ: وقت‌ها
- ٤- حَتَّى: تا
- ٥- جُبْنَةٌ: پنیر
- ٦- زُبْدَةٌ: کره
- ٧- مَرْبَى الْمِشْمِشِ: مربای زردآلو
- ٨- دَجَاج: مرغ
- ٩- مَرَق: خورشید

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات واژنامه متناسب با توضیحات زیر است

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- | | |
|------------|--|
| ...الميناء | ۱- مکانی در کنار ساحل که مشاهده میشود در کنارش کشتی ها |
| ...البنر | ۲- حفره عمیقی که آب یا نفت از آن خارج می شود |
| ...الوقود | ۳- ماده ای مانند بنزین و نفت و گاز |
| ...استهلاك | ۴- الاستعمال و الاستفادة |
| ...صيانة | ۵- الحفاظ على الأشياء |
- نگهداری از اشیاء

تمرین دوم: در جای خالی کلمه ی مناسب از کلمات پیش رو قرار بده. «دو کلمه اضافی است

التَّمَرِينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

مصرف / کود / مایع منتقل میکند / میگیرد / کشتی ها / ایستگاه
استهلاك / سماء / سائل / تنقل / تستغرق / سفن / المحطة

- وَقَفَّتِ الْحَافِلَةُ فِي **المحطة** حَتَّى يَذْهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوْرَاتِ الْمِيَاهِ.
اتوبوس در ایستگاه ایستاد تا مسافران به سرویس های بهداشتی بروند
- كَمْ سَاعَةً **تستغرق** السَّفَرَةُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟
سفر کردن از مکه به مدینه چند ساعت می گیرد؟
- السَّيَّارَةُ **تنقل** أَخْشَابًا مِنَ الْغَايَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.
ماشین چوب هایی را از جنگل به کارخانه ورق (کاغذ) منتقل می کند
- صُنِعَ جِهَازٌ لِتَقْلِيلِ **استهلاك** الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسُوبِ.
دستگاهی برای کاهش مصرف برق در رایانه ساخته شد
- الْنَّفْطُ **سائل** أَسْوَدُ تُصْنَعُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.
نفت مایع سیاه رنگی است که چیز های زیادی از آن ساخته می شود

۱- سفن: کشتی ها «مفرد: سفينة»

تمرین سوم: در جاهای خالی فعل مناسب قرار بده

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ۱- اللّٰوْحَاتُ التَّحذِيرِيَّةُ الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ. يُحَدِّرُ تَحَدِّرُ
- تابلو های هشدار آمیز شهر وندان را از حفر کردن زمین باز می دارند
- ۲- صَدِيقِي صَوْرَةً خَلَابَةً عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ. يَرْسُمُ يُرْسِمُ
- دوستم نقاشی جالبی را بر دیوار مدرسه رسم می کند
- ۳- صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ، فَخَافَ الْجَمِيعُ. سَمِعَ سَمِعَ
- صدایی قوی از دور شنیده شد، پس همه ترسیدند
- ۴- النَّفْطُ عَبْرَ النَّاقِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي. يَنْقُلُ يُنْقَلُ
- نفت از طریق نفتکش ها به پالایشگاه ها منتقل می شود
- ۵- الطَّبَّاحُ طَعَاماً طَيِّباً فِي الْمَطْعَمِ. يَطْبُخُ يُطْبَخُ
- آشپز غذای پاکیزه ای را در آشپزخانه می پزد
- ۶- حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزْدِ. يُصَنِّعُ يُصَنِّعُ
- شیرینی های خوشمزه ای در شهر یزد پخته می شود

تمرین چهارم: مفرد اسم های پیش رو را به کمک واژنامه ی درس بنویس

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

بندرها مَوَائِنُ:	مِيْنَاءُ	چاهها أَبَار:	بِيْر
کشتیها سُفُن:	سَفِيْنَةٌ	صخره ها صُخُوْر:	صَخْرَةٌ
مواد مَوَاد:	مَادَةٌ	پالایشگاهها مَصَافِي:	مَصْفَى
کشورها دُوَل:	دَوْلَةٌ	داروها أَدْوِيَّة:	دَوَاءٌ
لوله ها أَنْبِيْب:	أَنْبُوْب	خطها خَطُوْط:	خَطٌ
سرزمینها بُلْدَان:	بَلَدٌ	موعداها مَوَاعِد:	مَوْعِدٌ

تمرین پنجم: کلمه ای که با کلمات دیگر در معنا متناسب نیست را با بیان دلیل معین کن
 التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى
 مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | |
|---|--|--|---|
| سوخت | کاز | نفت | جنگ |
| ۱- <input type="checkbox"/> وَقُود | <input type="checkbox"/> غَاز | <input type="checkbox"/> نَفْط | <input checked="" type="checkbox"/> حَرْب |
| نفتکش | هشتم | هواپیما | اتوبوس |
| ۲- <input type="checkbox"/> نَاقِلَة | <input checked="" type="checkbox"/> ثَامِنَة | <input type="checkbox"/> طَائِرَة | <input type="checkbox"/> حَافِلَة |
| کود | ایستگاه | میدان | فرودگاه |
| ۳- <input checked="" type="checkbox"/> سَمَاد | <input type="checkbox"/> مَحْطَة | <input type="checkbox"/> سَاحَة | <input type="checkbox"/> مَطَار |
| کره | پنیر | بازنشستگی | شیر |
| ۴- <input type="checkbox"/> زُبْدَة | <input type="checkbox"/> جُبْنَة | <input checked="" type="checkbox"/> تَقَاعُد | <input type="checkbox"/> حَلِيب |
| مرغ | کبوتر | جغد | هزینه |
| ۵- <input type="checkbox"/> دَجَاجَة | <input type="checkbox"/> حَمَامَة | <input type="checkbox"/> بَوْمَة | <input checked="" type="checkbox"/> نَفَقَة |
| قرمز | بهتر | آبی | زرد |
| ۶- <input type="checkbox"/> أَحْمَر | <input checked="" type="checkbox"/> أَحْسَن | <input type="checkbox"/> أَرْزَق | <input type="checkbox"/> أَصْفَر |
| بندرها | لوله‌ها | سرزمینها/کشورها | شهرها |
| ۷- <input type="checkbox"/> مَوَانِي | <input checked="" type="checkbox"/> أَنْبُوب | <input type="checkbox"/> بُلْدَان | <input type="checkbox"/> مَدُن |
| صخره‌ها | غارها | هشدار | چاه‌ها |
| ۸- <input type="checkbox"/> صُخُور | <input type="checkbox"/> كُهُوف | <input checked="" type="checkbox"/> إِنْذَار | <input type="checkbox"/> آبَار |



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اَكْتُبْ آيَةً اَوْ حَدِيثًا اَوْ شِعْرًا اَوْ كَلَامًا جَمِيلاً مُرْتَبِطًا بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.
(لِلْاِشَارَةِ اِلَى النِّعَمِ الْاِلَهِيَّةِ)



مَنْجَمُ الْفَحْمِ ' فِي مَحَافِظَةِ كَرْمَانَ

۱- مَنْجَمُ الْفَحْمِ: مَعْدِنُ زَغَالِ سَنَگ